

شانزدهم آذر روز مبارزه با استبداد، چگونه خلق شد؟

چهار ماه پس از کودتای ننگین بیست و هشت مرداد سی و دو، « نیکسون» معاون رئیس جمهوری آمریکا به ایران می آید. محمد رضا پهلوی سعی دارد به نیکسون این طور وانمود کند که اوضاع ایران آرام است. برای پیشگیری و سرکوب هر اعتراض و تظاهراتی، رژیم در همه کشور و بخصوص تهران حالت حکومت نظامی غیر رسمی اعلام می کند.

برای اولین بار گاردهای نظامی در دانشگاهها حضور پیدا می کنند. آنها دستور دارند که هر اعتراضی را به شدیدترین نحو ممکن سرکوب کنند.

ساعت حدود نه صبح، در حالی که دانشجویان دانشکده فنی در کلاس درس بودند، سه دانشجو از پشت پنجره به حضور ماموران گارد در صحن دانشگاه اعتراض و دهن کجی می کنند. ماموران وارد کلاس شده و از استاد می خواهند که سه دانشجوی مورد نظر را به آنها تحویل دهد. استاد زیر بار نمی رود. ماموران برای به حرف آوردن دانشجویان، فراش دانشکده را که هیچ آگاهی از موضوع نداشت به کلاس آورده و زیر چک و لگد خود قرار دادند. باز هم دانشجویان مقاومت می کنند و چیزی نمی گویند. ماموران دست بر نمی دارند و به سراغ رئیس دانشکده رفته و او را مجبور می کنند که زنگ پایان کلاس را به صدا در آورد. با اینکار دانشجویان همه بیرون می ریزند و شروع به شعار دادن می کنند.

در این هنگام، سربازان سرکوبگر یورش بی رحمانه خود را آغاز نمودند؛ در جریان این یورش، اکثریت دانشجویان گریخته و تنها سه دانشجو باقی ماندند که پشت ستونی سنگر گرفتند. این سه دانشجو موقعی که در صدد تغییر محل خود بودند هدف گلوله گرفته و دو تن از آنان (مصطفی بزرگ نیا و مهدی شریعت رضوی) در جا جان باختند و نفر سوم (احمد قندچی) که زخمی شده بود پس از انتقال به بیمارستان نظامی پس از آنکه از تزریق خون به وی جلوگیری می شود، جان می بازد. از آن زمان به بعد، شانزدهم آذر سرآغاز و نقطه عطفی شد در مبارزات جنبش دانشجویی و به حق «روز دانشجو» نامیده شد.